



بحثی درباره کودک آزاری و کودکان مغفول

چکیده

امروزه کودک آزاری، سهل انگاری در مورد ایمنی کودکان و محرومیت آن‌ها از حق برخورداری از یک زندگی سالم در جوامع مختلف موجب دلهره و وحشت فراوان برای خانواده‌ها شده است. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سؤال‌ها در مواجهه با این معضلات اجتماعی، این است که چرا اتفاق می‌افتند؟ و چگونه می‌توان از بروز آن‌ها پیشگیری کرد و راه‌های مبارزه با آن‌ها چیست. با توجه به گستردگی رسانه‌های گوناگون در همه جوامع، اطلاعات مربوطه به کودک آزاری، خشونت و آسیب‌های وارده بر کودکان به سرعت منتشر می‌شود. انتشار اطلاعات در مورد هر حادثه خود سبب پدید آمدن ابهام‌ها، نگرانی‌ها و بدگمانی‌هایی نیز می‌شود. ناگفته پیداست که در این میان، البته موارد و حوادث بسیاری نیز هستند که در پرده ابهام می‌مانند یا مردم از آن‌ها مطلع نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: کودک، کودک آزاری، خانواده، سهل انگاری، آموزش

حوادثی چون آزار آتنا اصلانی، دختر ۷ ساله اردبیلی، در سال ۱۳۹۶ دل بسیاری از خانواده‌ها و فعالان اجتماعی را به درد آورد و بحث‌های زیادی را در مورد نامهربانی‌ها و عدم امنیت در جامعه ما دامن زد. این مقاله کوتاه البته جای پاسخ دادن به این سؤال‌های بسیار با واکاوی چنین حوادثی نیست و باید در موقعیت‌های دیگر به آن‌ها پرداخته شود. در اینجا، فقط مطالبی در زمینه کودک آزاری و سهل انگاری درباره کودکان و مغفول ماندن آن‌ها از زوایای گوناگون مطرح می‌شود. این کوتاه سخن، صرفاً در حکم باز کردن دریچه توجه و به وجود آوردن چالش و هشدار ذهنی است.

کودک آزاری و مغفول ماندن کودکان از جمله مسائل بسیار مهم در بسیاری از کشورهاست. به بیان دیگر، شاید بتوان گفت این ضایعه به بزرگی، کوچکی و تحول و عدم تحول جوامع و سایر مؤلفه‌های اجتماعی از جمله فقر، ثروت و آگاهی تا حدودی و گاهی بستگی پیدا نمی‌کند؛ به‌ویژه وقتی پای بیماری انسان‌ها و اولویت قرار نگرفتن کودکان پیش می‌آید. برای مثال، در سال ۲۰۰۰، سه میلیون مورد کودک آزاری و سهل انگاری به بخش خدمات حمایتی کودک و خدمات بهداشتی و انسانی در کشور آمریکا گزارش شده که جزئیات آن البته بیشتر آزاردهنده است.

● دوسوم از قربانیان از غفلت و سهل انگاری خانواده‌ها و عوامل اجتماعی دیگر در رنج بوده‌اند.

● تقریباً ۲۰ درصد از کودکان از نظر فیزیکی مورد آزار قرار گرفته‌اند.

● ۱۰ درصد از کودکان از نظر جنسی مورد سوءاستفاده، خشونت و آزار قرار گرفته‌اند.

● ۸ درصد از کودکان از نظر روان‌شناختی مورد سوءرفتار قرار گرفته‌اند.

● تخمین زده شده است که ۱۲۰۰ نفر از کودکان در نتیجه آزارهای

جسمی یا جنسی و سهل‌انگاری جان خود را از دست داده‌اند. نکته‌ی دردناک‌تر اینکه ۴۴ درصد از این مرگ‌ها مربوط به کودکان کمتر از یک سال و ۸۵ درصد کودکان زیر ۶ سال بوده است.

● بیشتر از ۸۰ درصد از قربانیان مورد آزار یکی از والدین و یا هر دوی آن‌ها بوده‌اند.

این آمار صرفاً مربوط به سال ۲۰۰۰ است و آمارهای تازه‌تر نشان‌دهنده‌ی افزایش چشمگیر مشکلات در همه‌ی جوامع و اضافه شدن عوامل اجتماعی همچون فقر و ناآگاهی، اعتیاد و عدم امنیت در محیط خانواده و نگرش‌های نادرست و بهره‌کشی از کودکان است که جا دارد در مقاله‌های دیگر مورد بررسی کارشناسان قرار گیرند.

کودک‌آزاری شدیدترین نوع بی‌احترامی به کودکان است.

خشونت به شکل بدرفتاری فیزیکی و بدنی و سوءاستفاده و آزار جنسی زشت‌ترین و فاجعه‌آمیزترین رفتار انسانی نسبت به کودکان می‌باشد. به کار بردن کلمات آزاردهنده و رکیک و خشونت بدنی و تنبیه فیزیکی از اشکال دیگر آزار کودکان در جوامع و خانواده‌هاست که متأسفانه در بعضی مراکز مراقبت از کودکان و مراکز فرهنگی و مؤسسات اجتماعی نیز معمول است. هم‌اکنون در بسیاری از کشورها، فعالیت‌های حقوقی و فعالان اجتماعی فرایندهایی را برای کنترل و پیشگیری این‌گونه اعمال دنبال می‌کنند. به‌ویژه در مورد مراکز فرهنگی، مراکز پیش‌دبستانی و مهدهای کودک و مراقبت کودکان به منظور ادامه‌ی کار، بررسی مجوزها و گواهی کار کلیه کارکنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند که این نوع پیگیری‌ها از جمله راه‌حل‌های بسار مطلوب شناخته شده است. در این روند، به والدین نیز در مورد انتخاب مراکز استاندارد و شناخت افراد صاحب صلاحیت برای مراقبت از فرزندان و نگهداری از آنان در ساعات مورد نیاز خود، آگاهی‌های خوبی داده می‌شود. گزارش دادن موارد آزار کودکان از هر نوع در همه‌ی جوامع به‌ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی از نظر قانونی نوعی الزام شناخته شده است. دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، مربیان و سایر افرادی که وظیفه‌شان مراقبت از کودکان است، مسئولیت دارند که موارد مشکوک را به افراد مسئول گزارش دهند.

در این میان، سهل‌انگاری درباره‌ی کودکان و غفلت از آن‌ها مقوله‌ی مرتبیطی است که باید شفاف‌تر گردد. کودک مغفول ممکن است حتی کسی باشد که بیشتر ساعات بیداری خود را در کنار فرد یا افراد بزرگ‌تر بگذرانند، با آن‌ها روبه‌روی تلویزیون بنشینند و برنامه‌های مورد علاقه‌اش را ببینند، ولی در عین حال، از طرف والدین یا فرد حامی و

غفلت و بی‌خبری از کودک، در حقیقت اشکال خطرناک‌تری نیز دارد که نبود تغذیه مناسب و مطلوب، پوشاک، سرپناه، بهداشت و مصون نگه داشتن کودک از خطرات و بیماری‌ها از جمله این اشکال است



در پایان این بحث، از منظر اقداماتی که دیگر کشورها به منظور پیشگیری و نیز جلوگیری از موارد **کودک‌آزاری و بی‌توجهی** در مراکز تربیتی کودکان به‌ویژه مهدهای کودک در مراکز پیش‌دبستانی اتخاذ کرده‌اند، به ذکر نکاتی بسنده خواهیم کرد و امید به ایجاد چالش در این باره، در اذهان خوانندگان دارم.

انجمن ملی حمایت از کودکان در آمریکا (NAEYC)، از سال ۱۹۹۶ دستورالعمل و براساس آن برنامه‌هایی را به منظور پدید آوردن مسئولیت‌های عملی و تخصصی از کودکان در مراکز آموزش‌های اولیه تنظیم کرده و به اجرا در آورده‌اند که در زیر به بعضی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. استخدام کارکنان شایسته و صاحب صلاحیت

۲. اعمال نظارت مسئولانه و مناسب در مورد کلیه کارکنان

۳. تقلیل دادن مکان‌هایی که در معرض دید نیستند یا دسترسی به آن‌ها دشوار است، و یا محل‌های مشکوک و دنج در محیط این مراکز و اطراف آن‌ها.

۴. آشنا کردن کلیه کارکنان با کودک‌آزاری و سهل‌انگاری و چگونگی تشخیص، پیشگیری و گزارش دادن موارد مشکوک و آموزش دادن آن‌ها در این موارد.

۵. تعریف کردن و بیان سیاست‌ها برای به وجود آوردن محیط‌های فرهنگی و آموزشی ایمن برای کودکان.

۶. به وجود آوردن فرهنگ «پرهیز از تماس بدنی» در کارکنان و مراقبان کودک.

در پایان این بحث باید بگوییم که مهم‌تر از موارد بالا، حضور والدین در کنار کودکان است. آن‌ها باید با مراکز پیش از دبستان و مهدهای کودک و کودکان‌ها و مراکز آموزشی در سال‌های اولیه مشارکت کامل داشته باشند. در سایه مشارکت این مراکز با خانواده‌ها و والدین امید است پاره‌ای از مشکلات کودکان شناخته شود و در مورد راه‌های رفع مشکلات کوشش‌هایی مناسب صورت گیرد.

پی‌نوشت

1. No-Touch Policies



شکست در پرورش کودکان، مطلوب نبودن شیوه‌های مراقبت از آن‌ها و تحقق نیافتن نیازهای به حقشان، نشان‌دهنده نوعی بی‌توجهی به آن‌ها و کمبود و یا فقدان علاقه، نگرانی و دغدغه برای آن‌هاست

مراقبت‌کننده‌اش مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد. بنابراین، تصور نادرستی است اگر فکر کنیم نبودن فرد بزرگ‌تر در کنار کودک و یا در ساعات فعال زندگی او یعنی مورد غفلت قرار گرفتن. بلکه مغفول ماندن کودک ابعاد بی‌توجهی، برخورد شیء‌گونه و مکانیکی و عاری از مهربانی با کودک و نیز پاسخ ندادن به کودک، به حال خود رها کردن و بغل نکردن او و مواردی از این قبیل را نیز شامل می‌شود. در این والدین، عاطفه نسبت به کودک رنگ‌باخته است. آن‌ها کودک را در کنار خود دارند ولی **با او وقت نمی‌گذرانند و به او توجه ندارند.**

غفلت و بی‌خبری از کودک، در حقیقت اشکال خطرناک‌تری نیز دارد که نبود تغذیه مناسب و مطلوب، پوشاک، سرپناه، و بهداشت و مصون نگه داشتن او از خطرات و بیماری‌ها از جمله این اشکال است.

برای کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند یا خانواده‌های پرجمعیت و یا بی‌سرپناه البته ابعاد فاجعه گسترده‌تر خواهد بود. در این میان، خانواده‌های طلاق، معتادان، افراد بدسرپرست یا ناآگاه و حتی خودشیفته نیز به این غفلت از کودکان و واماندگی آن‌ها دامن می‌زنند. شکست در پرورش کودکان، مطلوب نبودن شیوه‌های مراقبت از آن‌ها و تحقق نیافتن نیازهای به حقشان، نشان‌دهنده نوعی بی‌توجهی به آن‌ها و کمبود و یا فقدان علاقه، نگرانی و دغدغه برای آن‌هاست.